



## زبان خوش بی زبان خوش!



مصاحبه با  
یاسمین میلانی

**فواد عبداللہی: شما مدت زیادی نیست که به خارج کشور آمده اید. لطفا مختصری از دلایل مهاجرت خود را برای خوانندگان نشریه توضیح دهید.**

نه حجاب و پوشش اسلامی. دوست دارم برجستگی های تنم را قیام کنم. راستش هرکجا که من با پدیده حجاب برخورد میکنم حتی اگر شخص از روی "اختیار" آن را برگزیده باشد، احساس می کنم احتیاج به کمک و رهایی از قید این تکه پارچه لعنتی دارد. من هرگز ندیدم که زنهای محجبه شاد باشند، قهقهه بزنند، برقصدند، بنوشند، رابطه آزاد جنسی داشته باشند، زیبا باشند، ملک کسی نباشند.

این قیافه ها، یک پرتره وحشتناک و توستری خوری به شیوه های زمخت در حق جوانان و به طور اخص زنان از طرف حکومت اسلامی اعمال می شود. فرار کردم. من جدایی جنسی و تحمیل حجاب اجباری را قبول نکردم و هیچگاه در طول زندگی ام بیاد ندارم که خودم را متعهد به این قوانین جنگل کرده باشم.

**فواد عبداللہی: شما به حجاب اجباری اشاره کردید. چرا مخالف این پدیده هستید و فکر می کنید راه مقابله با آن چیست؟**

یاسمین میلانی: صاف و ساده من مخالف این پدیده زشت هستم چون میخواهم زیبا باشم. می خواهم آنطور که دوست دارم لباس بپوشم. دوست دارم موهای سرم را آفتاب و هوای تازه نوازش کند

**فواد عبداللہی: شما به حجاب اجباری اشاره کردید. چرا مخالف این پدیده هستید و فکر می کنید راه مقابله با آن چیست؟**

و کرنا دمیدن "پایان کمونیسم و تاریخ" توسط سرمایه داری و تبلیغات "دولت رفاه" نمی توانست حتی برای خود بورژوازی عاقبت خوشی داشته باشد. نمی شد پایان کمونیسم را اعلام کرد و همزمان با آن در قلب اروپا ناگهان تروریسم سر برآورد. اما کشتارها و کشتارگاه های "داخل" هیچگاه در منظرگاه جامعه انسانی اروپا آشکار نشده است. مردم اروپا نمی دانند که هزاران محسن رضایی از تبار سه قلم یاد شده در "لیست تروریستهای جهان" در اعدام ۱۵۰۰۰۰ هزار انسان شریف و آزادیخواه دست دارد و امروز پز "دموکرات" و اقتصاددان و "کاندید انتخابات" به خود میگیرد. مردم اروپا نمیدانند که فلسفه ایجاد سپاه پاسداران ابو رضایی چیزی جز سرکوب سیستماتیک و حساب شده پرچم و صدای آزادیخواهی و برابری طلبی جامعه نمیتوانست باشد.

محسن رضایی آدم کشی و جلادگیری را به حساب اعمال تروریستی نمی گذارد بلکه از آن به نفع تثبیت حاکمیت اسلام سیاسی در دوران جنگ سرد استفاده می کند. کثافت کاری های این "آقا" زمانی رو خواهد شد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ملغا گردد و پرونده جنایات دو دهه ایشان و همکارانشان در پیشگاه جامعه انسانی نه تنها در ایران بلکه سراسر دنیا رو گردد. باید مردم را حول شعار "آزادی و برابری" سازمان داد و علیه شان قیام کرد. اینها را باید دستگیر و در دادگاه های مردمی محاکمه کرد.



## هورا! ابو رضایی "دموکرات" می شود!



فواد عبداللہی

بیشتری کرد. رضایی مخالف هیچکدام از ترورهای انجام شده نبوده است بلکه قضیه این است که ایشان از جانب دولت های غربی در "لیست تروریستها" قرار ندارد. اما آیا این لیست تا چه اندازه اعتبار دارد؟! راستش نه از سر دلسوزی و دموکرات بودن دولت های غربی بلکه اگر فشار جنبش آوانگارد و متمدن مردم اروپا علیه فاجعه میکونوس نبود، این سه قلم جانی اسلامی هم در "لیست تروریستها" از طرف دول غربی مدتها بود ماستمالی شده بود. غرب هیچگاه فکر نمی کرد و اصلا قرار نبود که پای اسلام از حیطة جغرافیایی خودش و از "مرز و بوم پرگهرش" به "خارج" باز شود و توازن قوای سیاسی و مشروعیت دموکراسی غربی را زیر سوال ببرد. تلاش دول غربی در تحمیل حاکمیت اسلامی بر جامعه ایران و کل خاورمیانه در واقع چیزی جز سلاخی و سرکوب چپ و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی نبوده است.

"تو می توانی بهترین جلاد و آدمکش در مملکت خود باشی که در این صورت تروریست قلمداد نخواهی شد، اما نباید خارج از حیطة خودت و در خارج کشور سیستم ما را مختل کنی، وگرنه در لیست تروریستها قرار می گیری." این فرمول دول غربی برای سانسور و پوشاندن جنایات اسلام در ایران و خاورمیانه بوده است.

میکونوس یک فاجعه "خارج" از ایران بود که تحمل آن برای مردم اروپا مخصوصا در دوران فروپاشی بلوک شرق و در بوق

بیباید با هم نگاهی به پارس کردنهای جناب محسن رضایی "کاندید انتخابات" رژیم اسلامی بیاندریم و البته بی جوابش نگذاریم.

وی در پاسخ به سوال یکی از دانشجویان که از او پرسید آیا اسم شما در لیست تروریست های دنیا قرار دارد؟ گفت: "دشمن با طراحی لیست تروریست های جهانی و انتشار سالانه آن درصد تخریب نظام است و خوشبختانه اسم من به هیچ عنوان در این لیست قرار ندارد و جوسازی دشمنان نظام در آستانه انتخابات بیشتر از این نیز خواهد شد."

جالب است آدم جواب این سوال را از طراح و فرمانده سابق سپاه پاسداران جمهوری اسلامی بشنود. کسی که برای تثبیت حاکمیت اسلام بر جامعه ایران سالها جانفشانی کرده و در کنار دوستانش در کشتار و بخون کشیده شدن انقلاب ۵۷ و به کشت دادن دهها هزار نفر در جنگ ایران و عراق رکاب زده است. از آنجا که منظور رضایی از "لیست تروریستهای" جهان، رفسنجانی، فلاحیان، ولایتی و یکی دو تا اشغال دیگر در رابطه با ماجرای دادگاه میکونوس است و خود را از آن میرا میداند اما باید روی این قضیه مکت

## جمهوری اسلامی و روز معلم!

پیرامون بیانیه شاخه فرهنگیان حزب جوانان  
جمهوری اسلامی  
به مناسبت روز معلم



### رضا کیهان

جدیدا شاخه فرهنگیان حزب جوانان  
جمهوری اسلامی به خود زحمت داده  
و در باب روز معلم فرسای

کرده است. متن کامل این بیانیه بدین شرح است: "جامعه فرهنگیان کشور در اردیبهشت ماه هر سال شاهد برگزاری مراسم مختلف به مناسبت بزرگداشت شأن و مقام معلم در دوازدهم این ماه است. معلمانی که ذهن و اندیشه دانش آموزان را به جهان باز کرده و با دمیدن روح اعتماد به نفس در ایشان، ظرفیتهای آنان را به فعل می رسانند و نسل جوان را برای زیستن و ساختن جهانی سرشار از صلح و دوستی پرورش می دهند. در این میان حتی اگر بتوانیم از ناهماهنگی برگزاری چنین روزی در کشور خودمان با روز جهانی معلم (۵ اکتبر، مهر ماه هر سال) چشم پوشی کنیم، هیچگاه نمی توانیم چشمانمان را بر روی بحران فرهنگی حاکم بر جامعه ببندیم. بحرانی که ناشی از ضعف مدیریتی، تعدد مراکز تصمیم گیری، نگرشهای نادرست و فقدان یک طرح راهبردی، ملی و ریشه ای در آموزش و پرورش می باشد. همچنین از ضروریات بالابردن کیفیت نظام آموزشی بهبود کیفیت کار و زندگی معلمان است و از اینروست که معلم باید از جایگاه اجتماعی ویژه ای برخوردار باشد. چراکه هر گونه سرمایه گذاری بر روی منابع انسانی به عنوان کلیدی ترین عامل رشد و توسعه کشور می بایست در آموزش و پرورش پایه گذاری شود." اینها عجب رویی دارند. بیش از دو دهه است که روز به گور رفتن مرتجع مطهری را روز معلم کرده اند و امروز از روز جهانی معلم حرف می زنند و از دولت خورده می گیرند. از یک طرف معلم را گرسنه و بی حقوق نگه داشته اند و از طرف دیگر انتظار دارند ذهن و اندیشه دانش آموزان توسط معلمان باز شود. از یک طرف دین را با اجبار در سیستم آموزش و پرورش چپانده اند و از طرف دیگر انتظار ساختن جهانی سرشار از صلح و دوستی را دارند. اینها نه می خواهند دین را از آموزش و پرورش جدا کنند و نه می خواهند قدمی به سوی رشد و تعالی انسان در آن مملکت بردارند.

بحران فرهنگی که حزب جوانان جمهوری اسلامی بدان اشاره کرده، یک واقعیت است اما چی شده که اینروزها به کله شان زده است؟! جامعه در همه اشکالش به بحران فرو رفته است. عامل اصلی آنهم چیزی جز وجود جمهوری اسلامی در اریکه قدرت و سیاست امروز ایران نیست. راه علاج این وضعیت اصلاح و خرده گرفتن از نظام نیست بلکه از سر راه برداشتن کل دستگاه دولتی رژیم است. هیچ عقل سالمی نمی تواند ببذیرد که تا اینها سر قدرتنند یک درجه رفاه، خوشبختی، آسایش و آزادی نه تنها برای معلم بلکه برای کل جامعه تامین گردد.

**"نه" به حکومت اسلامی!**  
**زنده باد آزادی و برابری!**

رابطه جنسی آزاد چیست؟  
سیاست و فرهنگی که در رابطه آزاد جنسی افراد دخالت می کند و برایش طرح می کشد و امر و نهی می کند باید آتش زد.  
فواد عبداللہی: چگونه با سازمان جوانان حکمتیست در خارج کشور آشنا شدید؟

یاسمین میلانی: از طریق دوستم آشنا شدم. آشنایی با شما باید مایه افتخار هر جوانی باشد. سازمانی که متشکل از



دو نفر را وارد رابطه جنسی با هم کند. اما صرف اینکه این رابطه دو نفره به کجا خواهد انجامید بحث دیگری است که شخصاً فکر می کنم آنچه که در سیستم دنیای امروز خانواده نامیده می شود یک ریاکاری و زندان واقعی است. قایل شدن به رابطه جنسی دو نفره و تشکیل خانواده حداقل در شکل امروزی اش، نه تنها یک سد جدی در برابر شکوفایی و استقلال انسان است بلکه به امتیزه کردن او از بقیه انسانها منجر خواهد شد. پایبند بودن به تنها و تنها نوعی مناسبت در جامعه، یعنی در شکل خانواده، زیادی دپیرشن بوجود خواهد آورد و تکراری خواهد بود. انسان موجودی اجتماعی است که در جامعه زندگی می کند نه در خانواده. در جامعه ایران، رژیم اسلامی زن را به خاطر داشتن رابطه جنسی خارج از خانواده می کشد. حتی تصمیم گیری در مورد جسم انسان در دست خودش نیست. معلوم نیست چرا انسان وقتی که هوس کرد با کسی دیگر غیر از "پارتنر"ش رابطه جنسی داشته باشد باید این احساس را در خود بکشد یا در صورت انجام عمل کشته شود. قانون و

و فکری آن قابل تحقق است.  
فواد عبداللہی: شما به آپارتاید جنسی (جدایی جنسی) اشاره کردید. لطفاً در این مورد کمی بیشتر برای خوانندگان نشریه توضیح دهید.

یاسمین میلانی: بیایید برای روشنتر شدن این قضیه از بالا جامعه ایران را نگاه کنیم. می بینیم دو نوع موجود زنده در حال حرکت اما کاملاً مجزا و با ریخت و پوشش متفاوت، با کار متفاوت، با تفریح متفاوت، با آموزش متفاوت، با رابطه جنسی متفاوت، با همه چیز متفاوت مثل اردوگاه های کار اجباری هیتلر با زجر باید زندگی کنند و میزند. در سیستم اسلامی انسان بر حسب جنسیت صاحب حق است. اگر این دو جنس با هم قاطی شوند و در تمام سوخت و ساز جامعه به اندازه هم و با حقوق برابر در قانون به آنها حق داده شود آنگاه باید گفت جدایی جنسی معنای خود را از دست میدهد. آنگاه باید گفت که اسلام و قوانین کثیفش از زندگی و سیاست رخت بر بسته است. اما قرار نیست تا اینها وجود دارند این تبعیض خودبخود لغو شود. زن در اسلام یعنی شیطان! یعنی عامل فساد، یعنی کارخانه تولیدمثل، یعنی کشتزار، یعنی عامل تحریک مرد.

زن نوعی از زیبایی طبیعت است که با ایدولوژی اسلامی "منافات" دارد. در نتیجه باید جدایش کرد. باید خانه نشینش کرد، برایش تصمیم گرفت، باید سنگسارش کرد، "شوهرش" داد، بهش تجاوز کرد، کتکش زد، ناموسش کرد، تحقیر و صیغه اش کرد و هر بلایی که در قاموس انسان نیست اما در اسلام، سرش آورد. در نتیجه یک پایه دیگر اسلام و حکومتش آپارتاید جنسی است که با حجاب مکمل همدیگرند و همچنان که قبلاً اشاره کردم باید با قیام مردم علیه حکومت اسلامی، از صحنه جامعه پاکشان کرد.

فواد عبداللہی: نظراتان راجع به

**به سازمان جوانان حکمتیست پیوندید!**

# جنتی، از فتوای اعدام تا محلل اقتصادی!



**فرزاد نزاری**

باید به صفوف اسلامیون تبریک گفت که شیر و چهره واقعی نظامشان وقت می کند و در باره اقتصاد که تا بحال هم مال خربوده است! اظهار نظر می کنند و خود و نظامشان را از خجالت! مردم در می آورند و کشف می کنند که قریب به ۴۶۵۰ شرکت ایرانی در دبی هستند و بیچاره بعد از کابوسهای شبانه مشغول فعالیت اند و چرا اینها در ایران نیستند؟ که تولید کشور فعال شود و بیکار هم کم شود. و فغان سومی دهد: که لازم است سرمایه ها در کشور برای کارآفرینی فعال شوند و تلاش شود که سرمایه های خارجی در کشور جذب شود تا مسئله اشتغال رفع گردد. حال ما از آقای جنتی نمی پرسیم که این شرکتها متعلق به چه کسانی است و خود آقای جنتی و یارانش سهمشان در این سرمایه های غارت شده چقدر است!

اما اگر برای دلیل این می گردید که چرا اینجوری است و ایران اسلامی قادر به جذب سرمایه خارجی نیست و حتی سرمایه های داخلی هم فرار می کنند و ترجیح می دهند به جای ایران به دبی پناه ببرند دقیقا به خاطر فضای شیر تو شیر اسلامی است، هیچ سرمایه دار عاقلی در جایی مثل ایران تن به سرمایه گذاری نمیدهد، چون اصولا سرمایه گذاری سرمایه دار برای سود آوری است و در فضایی اتفاق می افتد که در آنجا امنیت اقتصادی وجود داشته باشد، تا سرمایه بتواند در امنیت سود آوری کند. در ایران اسلامی که روند، بلکه حتی در صفوف

نیست که بوقلمون سیاسی بشود و پف کنید و رنگ عوض و نه ترساندن مردم از کنید. مردم به خوبی رنگ و طالبانیسم برای شرکت در چهره سفیهان را در زیر آن "انتخابات" توسط امثال تاج بزکهای کریه و بد قواره تاج زاده ها!

شما صاحب سرکوب و ریا و تاریخ مصرفتان حتی برای پسر عموهای بورژوایتان هم به سر رسیده است. هیچ چیزی به مردم هم، صاحب اتحاد و همبستگی و یکپارچگی و منشور سرنگونی حکمتیستها.

خودتان هم به ریشتان می خندند. همه می دانند چرا حالا مشغول تره خورد کردن برای مردمی هستید که هر لحظه در کمین است که تمام بساط و کلیت نظام را همراه با مضحکه انتخاباتتان جمع کند و بر سرتان بکوبد. شما هم لازم

## جنگ ما شروع شده است!

و قرآن و خدا مخالفند. با قومی گری و عشیره گری و نژاد پرستی مخالفند. غربی بودن، غربی زیستن، آزاد بودن و برابر بودن را می خواهند. دنیایی عاری از جهالت و تعفن مذهبی را می خواهند. اما پیش شرط هر خواسته رادیکال و مدرن در جامعه ایران منوط به رفتن جمهوری اسلامی است. تا زمانی که چنین نظام سیاسی در ایران حاکم است، تا زمانی که دست اسلام و خدا بر زندگی و جان مردم حاکم است، قطعا دنیایی آزاد و برابر نه تنها برای جوانان بلکه همه مردم آرزویی بیش نخواهد بود.

در نتیجه پیش شرطش کنار گذاشتن جمهوری اسلامی و سازمان دادن جنگی است که الان جوانان و بخش اعظم جامعه با رژیم اسلامی شروع کرده اند...



### روژان احمدزاده

جنگ ما خیلی وقت است که علیه جمهوری اسلامی و قوانین دست و پا گیرش شروع شده است. یک جنگ تمام عیار فرهنگی، سیاسی و اجتماعی میان جوانان و جمهوری اسلامی.

این سیاه پوشان دنیای امروز ۲۶ سال است که قوانین خود را بر جامعه ایران تحمیل کرده اند. اما دقیقا در این دوران، جوانان جنگ ویژه ای را آغاز کرده اند. در عرصه فرهنگی تا آنجا که زورشان می رسد دارند ارزشهای خودشان را می آورند و ارزشهای کهنه و پوسیده را زیر پا له می کنند و به رژیم "نه" می گویند. در عرصه سیاسی، آزادی های سیاسی را می خواهند. در عرصه اقتصادی تامین آینده شان را می خواهند و این را چه در دانشگاه ها و چه

در محلات و مدارس و چه در به خیابان آمدن ها ابراز می کنند. جوانان دیگر آن جوانان ۵ سال پیش و حتی دو سال پیش هم نیستند. نه تنها انتظاراتشان، افقشان و دیدشان نسبت به زندگی هیچ خوانایی با نظام فعلی ندارد بلکه یک جامعه متحول، یک جامعه نو می خواهند. با سنت و اخلاق و ارزش های عقب مانده و شرق زده مخالفند، با آنهایی که می خواهند دنیا را و تاریخ را به عقب برگردانند مخالفند. با حجاب و جدایی جنسی مخالفند. با ریش و چفیه و مسجد و نماز



**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

# سخنان "اصلائی" بوی تعفن شرقی - اسلامی میدهد!



## تلویزیون پرتو برنامه ای از حزب حکمتیست

برنامه های پرتو روزهای  
چهارشنبه ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰  
شب به وقت تهران ( ۵ تا ۶  
بعد از ظهر به وقت اروپای  
مرکزی و ۸ تا ۹ صبح به  
وقت امریکای غربی) از شبکه  
کانال یک پخش میشود.  
این برنامه پنجشنبه ها  
ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ صبح  
تهران مجدداً پخش میشود.

مدیر مسئول: آذر مدرسی

برنامه پرتو روی سایت آن نیز  
قابل مشاهده است:

[www.hekmatist.com/parto](http://www.hekmatist.com/parto)

از این سایت ها دیدن کنید:

[www.javanx.com](http://www.javanx.com)  
[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)  
[www.oktoobr.com](http://www.oktoobr.com)  
[www.rahai-zan.com](http://www.rahai-zan.com)  
[www.iran-tribune.com](http://www.iran-tribune.com)  
[www.pasox.org](http://www.pasox.org)

## گروپ جوانان حکمتیست در یاهو!

[http://](http://groups.yahoo.com/javananekomonist)

[groups.yahoo.com/  
javananekomonist](http://groups.yahoo.com/javananekomonist)

## تماس با سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

دبیر سازمان: بهرام مدرسی  
[bahramsjk@yahoo.com](mailto:bahramsjk@yahoo.com)  
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱  
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۳۲۳۶۱۳

سر دبیر: فواد عبداللهی  
[foadsjk@gmail.com](mailto:foadsjk@gmail.com)  
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاون دبیر: نسیم رهنا  
[nasimrahnamadk@yahoo.com](mailto:nasimrahnamadk@yahoo.com)  
تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲

معاون دبیر:  
جمال کمانگر  
[jkamangar@yahoo.com](mailto:jkamangar@yahoo.com)  
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۶۱۹



خلاصی از فرهنگ و سنن حاکم پایه تحولی بزرگ در جامعه است که مدتهاست ما آن را "رنسانس فرهنگی" در ایران نام گذاشته ایم. رنسانسی که هدف بلاواسطه اش شلیک به پایه های ایدولوژی شرقی - اسلامی است. جوانان دیر زمانی است که رخت چرکین سنن رایج را بدور انداختند. جنبش خلاصی فرهنگی در ایران به وسعت جامعه جوان در حال گسترش است. جنبشی که با حرکت قدرتمند در حال کنار زدن و به عقب راندن بساطی است که سالهاست اختاپوس وار بر زندگی اجتماعی جوانان چنگ انداخته است. شادی و عشق ورزیدن به همدیگر جزو ابتدایی ترین حقوق انسان است. دخالت در آن جرم محسوب میشود. به کارگیری دستگاه سرکوب برای

جلوگیری از این حق مسلم انسان باید رسوا گردد. شانناژ است که مدتهاست ما آن را "رنسانس فرهنگی" در ایران نام گذاشته ایم. رنسانسی که هدف بلاواسطه اش شلیک به پایه های ایدولوژی شرقی - اسلامی است. جوانان دیر زمانی است که رخت چرکین سنن رایج را بدور انداختند. جنبش خلاصی فرهنگی در ایران به وسعت جامعه جوان در حال گسترش است. جنبشی که با حرکت قدرتمند در حال کنار زدن و به عقب راندن بساطی است که سالهاست اختاپوس وار بر زندگی اجتماعی جوانان چنگ انداخته است. شادی و عشق ورزیدن به همدیگر جزو ابتدایی ترین حقوق انسان است. دخالت در آن جرم محسوب میشود. به کارگیری دستگاه سرکوب برای

این سخنان تنها از فکر بیمار شرقی - اسلامی تراوش می کند. اصلائی و هم فکرائش با هر بوسه و قهقهه دختران و پسران دانشجو، ساختار ایدولوژی اسلامیشان به لرزه در می آید. جای چنین آدمهایی نه در صحنه دانشگاه بلکه باید در بخش روانی بیمارستانها باشد. این افکار اسلامی که چنین آدمهای یدکش میکشند شایسته موزه ها است. اصلائی یک لمپن تمام عیار است که این چنین وقیحانه لجن به اطراف میپاشد. باید گفت: "جمع کن بساط فرهنگ شرقی - اسلامیت را! برو کنار که باد بیا. تو شایسته این نیستی که سر کلاس درس حاضر شی! اول برو کمی آدم شو! تو کوچکتر از این هستی که در مسائل جوانان آن هم با این فکر بیماریت اظهار نظر کنی."



## جمال کمانگر

بوی تعفن شرقی - اسلامی از سخنان اصلائی وکیل روزنامه کیهان، دانشکده حقوق تهران را فراگرفت. اصلائی که "استاد" دانشگاه تشریف دارند خطاب به دانشجویان گفته است: "یک مشت فاحشه به زور پول در این دانشگاه آمده اند و در دانشگاه باند تشکیل داده اند و بچه های خوابگاه را خراب میکنند. وسط دانشگاه دختران و پسران با هم ور میرن!"



## روشنک

نوشته محمد جعفری

منتشر شد!

روشنک داستان زندگی پر فراز و نشیب محمد جعفری است. در این کتاب مسیر زندگی او را از صبل تولدش در روستای سیاه، تا پیوستن اش به مبارزین در کردستان ایران و ادامه زندگی سیاسی اش در ایران تا استقرارش در انگلستان دنبال میکنیم. در این مسیر، علاوه بر روایت نگاری تاریخ زندگی جامعه کردستان، محمد جعفری با شرف و کثرت تجربیاتش ما را قدم به قدم با تحولات فکری و اجتماعی خود نیز آشنا میکند. سادگت او در بیان واقعیات و سیر و نحوه چنانی فکری اش از هرگونه سنت و تفکر عقب مانده بی نظیر است. محمد جعفری ملقبترم زندگی سخت و پر از درد و محرومیت اش با شور زندگی و عشق عظیم اش به حقیقت، زیبایی و طبیعت بر آینه نور امید مینماید.

تماس برای سفارش کتاب  
Tel: (44) 79 5040 6164  
email: mohamadjafari1@yahoo.co.uk

در بزرگداشت یک زندگی پر بار  
فقطه منصور حکمت  
۲۲ - ۲۴ خرداد ۱۳۸۸ (۶ - ۱۲ ژوئن ۲۰۰۵)

Tribute to a Prolific Life  
Mansoor Hekmat Week  
4 - 12 June 2005

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)  
Email: [mail@hekmatist.com](mailto:mail@hekmatist.com)  
Tel: (44) (0) 783 037 9526

منصور حکمت (ژوئین رازانی) ۱۳۸۱ - ۱۳۲۰  
Mansoor Hekmat (Zhoobin Razani) 1951-2002

# دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!